

مجله پژوهش های اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال پنجم، شماره هفتم، تابستان ۱۳۹۰

## بلاغت سوگند در قرآن کریم\*

دکتر نصرالله شاملی

دانشیار گروه زبان عربی دانشگاه اصفهان

علی محمدرضایی

کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی

### چکیده

اگر از هر زاویه به قرآن کریم نگاه شود، در آن ظرافت‌ها و ویژگی‌هایی دیده می‌شود که در اوج فصاحت و بلاغت است و انسان را وادار می‌کند به فوق بشری بودن آن، اعتراف کند. در طول تاریخ، قرآن پژوهان در پاسخ به این سؤال که، «قرآن از چه نظر معجزه است؟» این کتاب آسمانی را از جنبه‌های گوناگون مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند. آیا به خاطر بلاغت آن است؟ آیا به سبب اسلوب خاص آن است؟ آیا به خاطر معنا و محتوای آن است؟ و یا به علت اخبار غیبی آن است؟ یا به خاطر همه آن‌ها؟

تناسب و هماهنگی بین کلمات و جمله‌ها، لفظ و معنا از اصول زیبایی کلام است، این تناسب‌ها و هماهنگی‌ها به شکل کامل در قرآن کریم وجود دارد. بکارگیری این قاعده در سوگندهای قرآن کریم در اوج خود نمایان می‌شود؛ بطوری که با کلام بشری تفاوت‌های چشمگیری دارد. با تأمل در سوگندهای قرآن کریم، از یک سو بین مقسم‌به‌هایی که در پی هم آمده‌اند، تناسب و هماهنگی می‌بینیم، و از سوی دیگر بین مقسم‌به‌ها و مقسم‌علیه‌ها رابطه و هماهنگی

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۸/۱۲/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۸

نشانی پست الکترونیک نویسنده:

وجود دارد، و از جهتی دیگر بین محور و محتوای سوره و سوگند موجود در آن سوره رابطه و هماهنگی وجود دارد.

این مقاله بطور فشرده با رویکرد معجزه بودن قرآن کریم، ابتدا به بیان و بررسی نکات بلاغی این هماهنگی ها و تناسب ها در سوگندهای قرآن کریم می پردازد و سپس به بیان نظرات قرآن پژوهان درباره هدف و کارکردهای سوگندهای قرآن کریم می پردازد.

### واژگان کلیدی:

قرآن کریم، سوگند، بلاغت، معجزه.

### ۱- مقدمه

زمانی که سخن از بلاغت می آید، ذهن هایمان به طرف کتابهای بلاغی و فنون سه گانه بلاغت می رود؛ درحالیکه بلاغت سوگندهای قرآن را نمی توان در کتابهای بلاغی و علوم سه گانه جستجو کرد. البته سوگند می تواند به عنوان یک موگد با علم معانی ارتباط داشته باشد؛ ولی سوگندهای قرآن گسترده تر از آن مباحثی است که در علم معانی به عنوان تاکید از آنها یاد می کنیم. و بلاغت قرآن کریم اقتضای آن را دارد که سوگندهای آن سرشار از نکات بلاغی باشد، چون قرآن کریم در شرایطی نازل شد که فصاحت و بلاغت در ذات عرب جاهلی عجین شده بود، و آنها قبل از آن که بت پرست باشند، برده گفتار و زیبایی بیان بودند. مؤید این سخن، مسابقات شعری است که در بین اعراب برگزار می شد و بهایی که به شاعران و خطباء می دادند و اگر شاعری در میان قبیله ای نبوغ خود را به نمایش می گذاشت و برای دیگران قدرت شعری او آشکار می گشت، آنان به همین خاطر برای او جشن می گرفتند. در چنین شرایطی خداوند رسولش (ص) را با معجزه ای که با عصرش منطبق باشد، یاری کرد، این معجزه، همان قرآن کریم است که در اوج فصاحت و بلاغت است. پیامبر (ص) بوسیله این کتاب با اعراب بلکه با تمامی جهانیان به تحدی برخاست، همچنان که خداوند متعال می فرماید:

﴿قُلْ لَّيْنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا

يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيراً ﴿۸۸﴾ (اسراء: ۸۸) بگو: «اگر انسانها و پریان (جن و انس) اتفاق کنند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را (در این کار) کمک کنند.» اما در اینجا این سؤال پیش می‌آید که پیامبر (ص) با چه چیز قرآن کریم تحدی کرد؟ در جواب باید گفت که، یکی از جنبه های تحدی و مقابله با آنها، جنبه بلاغی قرآن کریم است. پدیده «سوگندهای قرآن» نیز نوعی از این اعجاز بلاغی است و این سرّ اعجاز آمیز شایسته آن است که با نگاهی موشکافانه نکات بلاغی آن مشخص شود.

اما آنچه در این گفتار مورد بررسی قرار می‌گیرد، به دو بخش تقسیم می‌شود؛ بخش اول: تناسب و هماهنگی میان سوگندهای قرآن. و بخش دوم: اهداف و کارکرد سوگندهای قرآن کریم. که هر دو بخش از نکات بلاغی و اعجاز آمیز سوگندهای قرآن کریم می‌باشند.

## ۲- هماهنگی و تناسب در سوگند سوره‌ها

تناسب، پایه ای از پایه های زیبایی گفتار است. به طوری که علمای بیان آن را از شروط فصاحت کلام قرار داده اند. ابن سنان الخفاجی، تناسب به هر دو صورت لفظی و معنوی را از شروط فصاحت کلام قرار داده و می‌گوید: «از شروط فصاحت، مناسبت بین دو کلمه است که بر دو نوع است: هماهنگی بین دو کلمه از نظر شکل و هماهنگی بین دو کلمه از نظر معنی. آن تناسبی که در فصاحت تأثیر گذار است، تناسب ظاهری و شکلی بین دو کلمه است» (الخفاجی ۱۹۸۲: ۲۰۵-۱۶۷).

تناسب بین الفاظ و معانی به قدری مهم است که صاحب «المنزح البدیع فی أسالیب البدیع» در پایان سخنش درباره عیب بودن ترک مناسبت و هماهنگی بین الفاظ و معانی می‌گوید: «اگر از مناسبت اجتناب ورزیده شود و روشی غیر از آن پیش گرفته شود، پس راه ناهموار شده است و آن عیب است» (السجلمانی ۱۹۸۰: ۵۱۹).

کتابهایی نیز در زمینه تناسب های قرآنی نگاشته شده اند. از جمله «نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور» نگارش برهان الدین البقعاوی و نیز «مراصد المطالع فی تناسب المقاطع و المطالع» که از تناسب بین آغاز و پایان سوره ها بحث می کند. یکی از عرصه‌هایی که هماهنگی و تناسب شگفت‌انگیز قرآن به نمایش گذاشته شده، چگونگی تناسب و هماهنگی سوگندهای قرآن است. از یک سو میان مجموعه سوگندهایی که با هم یاد می‌شود، همبستگی و پیوند وجود دارد. و از سویی دیگر، ارتباط خارق‌العاده‌ای میان آنچه به آن (مقسّم‌به) و آنچه برای آن (مقسّم‌علیه) سوگند یاد می‌شود، هماهنگی برقرار است به گونه‌ای که سوگندها به منزله‌ی استدلال بر مطلبی است که به منظور آن آمده است و از سویی دیگر سوگند آغاز سوره، ارتباط نزدیکی با محتوای سوره دارد. بنابراین، در موضوع هماهنگی و تناسب در سوگندهای قرآن، بحث را در سه محور دنبال می‌کنیم:

## ۲-۱- هماهنگی و ارتباط میان مقسم به‌ها:

بلاغت قرآن مجید اقتضای آن را دارد که وقتی به چند چیز در پی هم سوگند یاد می‌کند، آن امور، مجموعه‌ای هماهنگ و همبسته را تشکیل دهد و میان آنها تناسب و پیوند وجود داشته باشد، نه آن که اموری جدای از هم و پراکنده باشد که کنار هم گرد آمده است و ویژگی مشترکشان، نفس سوگند به آنها باشد. به عنوان نمونه، سوگند سوره بلد را بررسی می‌کنیم: ﴿وَالزَّيْتُونَ، وَطُورِ سَيْنِينَ، وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ﴾. (تین: ۱-۳) خداوند متعال در این سوره به تین و زیتون و طور سینین و بلد امین سوگند یاد کرده است. قبلاً گفته شد که بلاغت قرآن کریم اقتضای آن را دارد که بین سوگندهای یک سوره هماهنگی و تناسب باشد، پس باید بین این چهار سوگند تناسب و هماهنگی وجود داشته باشد. اکثر مفسران معتقدند که مراد از تین و زیتون همان دو میوه مشهور است و به خاطر فوائد فراوانی که در این میوه‌ها وجود دارد به آنها سوگند یاد کرده است. اما طبق این تفسیر ظاهراً هیچ ارتباطی بین این سوگندها با سوگندهای بعدی وجود ندارد. اما بعضی از مفسرها می‌گویند که مراد از «التین»، کوه دمشق است، و مراد از «الزیتون»، کوه بیت المقدس است. شاید علت نامگذاری این دو کوه به این دو نام، این باشد که در کوه دمشق انجیر، و در کوه بیت المقدس زیتون

می‌روید. پس «التَّيْنِ وَالزَّيْتُونِ» نام دو کوهی است که محل برانگیختن تعداد زیادی از انبیاء است، و «طُورِ سَيْنِينَ» کوهی است که حضرت موسی (ع) مبعوث شد، و «الْبَلَدِ الْأَمِينِ» هم مکه مکرمه است که حضرت محمد (ص) در آن مبعوث شدند (طباطبائی ۱۳۹۷: ج: ۲۰: ۴۵۵-۴۵۴؛ سید قطب ۱۳۸۶: ج: ۸: ۶۰۹-۶۰۸). طبق این تفسیر ارتباط بین این چهار سوگند واضح است، چون خداوند در این سوره به چهار مکان از محلهای بعثت انبیاء به طور متوالی سوگند یاد کرده است.

در دیگر سوگندهای قرآن نیز همین گونه می‌توان به جستجوی تناسب و ارتباط پرداخت. با استفاده از این تناسب و ارتباط، مفسر ارجمند، علامه طباطبائی گاه به نقد آرای مفسران می‌پردازد و نظری را انتخاب می‌کند که با دیگر فقره‌های سوگند، همخوان و سازگار باشد، برای مثال:

﴿لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ، وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ، وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ، لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ﴾ (بلد: ۱-۴) قسم به این شهر مقدس (=مکه)، شهری که در آن ساکنی، و قسم به پدر و فرزندش (=ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل ذبیح)، که ما انسان را در رنج آفریدیم (و زندگی او پر از رنجهاست).

علامه در ذیل آیات آغازین سوره بلد می‌نویسد: واجب بودن نوعی از تناسب و ارتباط میان سوگندها، اقتضا می‌کند که مراد از «والد» و «ما ولد» چیزی باشد که با «بلد» تناسب داشته باشد و در ادامه می‌گوید بر ابراهیم و فرزندش اسماعیل (علیهما السلام) منطبق می‌شود که بنا کنندگان اصلی شهر مکه و سازندگان بیت الحرام بوده‌اند و ابراهیم کسی بود که از خداوند درخواست کرد تا این دیار ایمن باشد. بنابراین مفاد آیات سه گانه، این می‌شود که: سوگند به مکه مشرفه و پیامبری که در آن دیار مقیم است و سوگند به ابراهیم و فرزندش اسماعیل که آن را بنا نهادند (طباطبائی، ۱۳۹۷: ج: ۲۰: ۳۲۹).

﴿وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا، فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا، وَالنَّاشِرَاتِ نَشْرًا، فَالْفَارِقَاتِ فَرَقًا، فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا، عُذْرًا أَوْ نَذْرًا، إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٍ﴾ (مرسلات: ۱-۷)  
 سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می‌شوند، آنها که همچون تندباد حرکت می‌کنند و سوگند به آنها که (ابرها را) می‌گسترانند، و آنها که جدا می‌

کنند، و سوگند به آنها که آیات بیدادگر (الهی) را (به انبیاء) القا می نمایند، برای اتمام حجت یا برای انذار، که آنچه به شما (در باره قیامت) وعده داده می شود، یقیناً واقع شدنی است!

اگر «وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا، فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا» را به تنهایی و صرف نظر از سیاق، در نظر بگیریم، خالی از ظهور در بادهای پیایی و شدید نیست؛ اما آخرین قسم که «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا» باشد، گویا صریح در ملائکه ای است که بر پیامبران فرود می آیند، در حالی که حاملان و حیند و آن را بر پیامبران القا می کنند تا مایه ی حجت یا بیم باشد. بقیه صفات نیز ابایی از حمل بر معنایی که مناسب با این معنا باشد، ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ج ۲۰: ۱۵۹).

با بیانی که یاد شد، علامه طباطبایی نتیجه می گیرند که باید از اقوال بسیاری که در این باره وجود دارد صرف نظر کنیم و نظیر آیات آغازین سوره صافات، همه موارد را بر ملائکه حمل کنیم. ایشان در سوره نازعات نیز سوگندهای پنجگانه آغاز آن را یکدست و به هم پیوسته می داند و تمامی آنها را بر فرشتگان حمل می کنند و این یکنواختی و به هم پیوستگی را با بسیاری از نظراتی که حکم به اختلاف معانی می کنند، ناسازگار می داند، مانند آن که «نازعات» را ملائکه «ناشطات» را وحش، «سابحات» را کشتی ها و «سابقات» را مرگی که بر آرزوها سبقت می گیرد، بدانند (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ج ۲۰: ۱۷۹).

اگر در سایر سوگندهای قرآن نیز کندوکاو شود، اینگونه ارتباط و هماهنگی وجود دارد؛ ولی در بعضی از سوگندها نیاز به تدبّر و دقت بیشتری است.

## ۲-۲- هماهنگی و ارتباط میان مقسم به ها با مقسم علیه ها:

هر جمله سوگند، از دو بخش تشکیل می شود: جمله قسم که شامل «ادات قسم» و «مقسم به» یا چیزی که به آن سوگند خورده می شود، می باشد و جمله «مقسم علیه» یا جواب سوگند که به خاطر آن، سوگند یاد می شود که هدف اصلی از سوگند، اثبات «مقسم علیه» از طریق تأکید آن بوسیله سوگند خوردن است.

یکی از ویژگی های بارز قرآن کریم، آن است که انتخاب سوگندهای قرآن، حکیمانه و با دقت و متناسب با موضوعی است که برای آن سوگند یاد می شود و

این گونه نیست که به طور تصادفی، بر سر هر مطلبی، از هر سوگندی استفاده شود. این مسأله می تواند یکی از جنبه های اعجاز قرآن به شمار آید؛ چراکه بشر به طور طبیعی، این اندازه دقت و ظرافت را نمی تواند در سخن خود به کار برد و در تمامی سوگندهای خود به کار برد و در تمامی سوگندهای خود، از چیزهایی بهره جوید که در راستای اثبات ادعای او قرار داشته باشد.

در قرآن کریم، آفریده ها، پدیده ها، نامها و صفات نیکوی الهی که به آنها سوگند یاد شده است، همگی به گونه ای با موضوع سخن پیوند دارد. بنابراین، برای دریافت بهترین مقصود از این سوگندها و رابطه آن با پیامی که قرآن آن را بیان می دارد، باید به تدبیر و اندیشه نشست و قرآن برای جوینده ای که به شایستگی، گام در راه فهم آن نهاده باشد، نقاب از چهره آراسته و همگون خود، خواهد گشود. برای چگونگی بهره گیری از قانون تناسب میان سوگند و جواب آن، نمونه هایی از قرآن گزارش می شود. علامه طباطبایی در تفسیر سوره «ذاریات» ذیل آیه ﴿وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ، إِنْكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ﴾ (ذاریات: ۷-۸). برای حبک، سه معنی یاد می کند: ۱- حسن و زینت؛ ۲- آفرینشی یکسان و معتدل؛ ۳- جمع حیکه یا جاک به معنای طریقه و راه؛ مانند خط ها و راه هایی که هنگام وزش باد روی آب ایجاد می شود، سپس می نویسد: «شاید ظهور لفظ «حبک» در معنای سوم، بیشتر باشد؛ زیرا آن وقت، با جواب قسم که اختلاف مردم و گوناگونی راه و روشهای آنان باشد، مناسبتر خواهد بود.» (طباطبایی، ۱۳۹۷ق: ج ۱۸: ۳۷۰).

نمونه هایی دیگر از تناسب میان سوگندها و پاسخ آن در قرآن کریم.

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ لَّا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (واقعه، ۷۵-۸۰) سوگند به جایگاه ستارگان (و محل طلوع و غروب آنها)، و این سوگندی است بسیار بزرگ، اگر بدانید! که آن، قرآن کریمی است، که در کتاب محفوظی جای دارد، و جز پاکان نمی توانند به آن دست زنند [دست یابند]. آن از سوی پروردگار عالمیان نازل شده؛ (ترجمه مکارم شیرازی)

سبحانی در ذیل این آیه می نویسد: «اما پیوند بین مقسم به و مقسم علیه: پس آن واضح است، برای اینکه انسان بوسیله جایگاه ستارگان معین و بوسیله محل طلوع و غروبشان از تاریکیهای دریا و خشکی هدایت می شود و قرآن کریم نیز بوسیله خود، انسان را از نادانی و گمراهی هدایت می کند. پس ستارگان چراغهایی هستند حسّی، در عالم ماده همانطور که قرآن چراغی است معنوی، در عالم مجردات که هر دو هدایت گرند. برخی از مفسران نظرات دیگری را نیز بیان کرده اند، در ادامه سبحانی می گوید: مناسبت این سوگند با پاسخ آن، در تشبیه میان جایگاه والای ستارگان و جایگاه شامخ قرآن کریم است. که هر دو در افقی ماورای محیط انسان جای دارند و از دسترس بشر به دورند (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۸۱).

﴿وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ، مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ﴾ (قلم: ۱-۲)ن، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، که به نعمت پروردگارت تو مجنون نیستی.

سبحانی می نویسد: «پیوند میان مقسم به و مقسم علیه آن است که قلم و کتاب، نشانه عقل و درایت است، پس سوگند به آن برای هدف نفی جنون از پیامبر (ص) است» (سبحانی، ۱۴۲۰ق: ۱۰۸).

﴿فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ عَلَى أَنْ نُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ﴾ (معارج: ۴۰-۴۱). سوگند به پروردگار مشرقها و مغربها که ما قادریم، که جای آنان را به کسانی بدهیم که از آنها بهترند؛ و ما هرگز مغلوب نخواهیم شد. (ترجمه مکارم شیرازی)

در این جا میان مقسم به و مقسم علیه، هماهنگی آشکاری است؛ چرا که خداوندی که پروردگار مشرقها و مغربها و آفریننده آنهاست، به طور قطع، قدرت آن را دارد که آفریننده خود را تغییر دهد و چیز دیگری جایگزین آن بسازد.

﴿وَالضُّحَىٰ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ، مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ﴾ (ضحی: ۱-۳). قسم به روز در آن هنگام که آفتاب برآید (و همه جا را فراگیرد)، و سوگند به شب در آن هنگام که آرام گیرد، که خداوند هرگز تو را وانگذاشته و مورد خشم قرار نداده است!

محمد عبده می گوید: «روایات اتفاق دارند که سبب نزول این سوره آن است که فاصله کوتاهی در نزول وحی بر پیامبر (ص) پیش آمد و آن حضرت دچار



نگرانی و اضطراب شدید گردید، و بعضی می گویند قریش آن حضرت را مورد سرزنش قرار دادند که خدایت تو را رها کرده است و این سوره در پاسخ این گمان و پس از آن نگرانی سخت و جانفرسا نازل گردید که پس از دو سوگند، عنایت و لطف بی پایان و دایمی خداوند را نسبت به آن حضرت بیان می دارد.» (عبده: ۸۳)

سیوطی این نکته را به عنوان یکی از لطایف سوگندهای قرآن می شمارد. (سیوطی: ج ۴: ۵۹). و علامه طباطبایی نیز می نویسد: «مناسبت میان روشنی روز و تاریکی شب با نزول وحی و انقطاع آن آشکار است» (طباطبائی ۱۳۹۷ق: ج ۲۰: ۳۵۳).

رابطه میان سوگندهای قرآن و پاسخ آنها، فراتر از یک تناسب طبیعی است و این پیوند، به گونه ای است که اشیایی که به آنها سوگند یاد می شود، در راستای اثبات سخنی است که به خاطر آن، سوگند یاد شده است و به منزله دلیل و برهان بر آن است. این مطلب، مسأله ای است که مفسران پیشین و معاصر، گاه به آن دست یافته اند. از جمله ابن قیم جوزیه «م ۷۵۱هـ» در کتاب التبیان فی أقسام القرآن گاه به تبیین این رابطه در برخی سوگندها می پردازد (ر.ک: التبیان فی أقسام القرآن).

علامه طباطبایی از جمله مفسران معاصری است که به این مسأله توجه دارد. وی در سوره «مرسلات» پس از تبیین این رابطه در سوگندهای این سوره، مسأله را به صورت یک قاعده کلی بیان کرده است.

تناسب میان سوگندهای قرآن و جواب آنها در دسته ای از سوگندها آشکار و زود فهم است. اما همانگونه که علامه یاد کردند، در دسته دیگری، نهان می باشد و نیاز به تأمل بیشتر دارد. اما به هر حال، ویژگی سوگندهای خداوند سبحان آن است که در راستای مطلبی که برای آن سوگند یاد شده، قرار دارد و مناسبت میان آن دو، قابل انکار نیست.

از حکمت الهی و اعجاز قرآن به دور است که بخواهد از هر سوگندی برای هر مطلبی استفاده کند، بدون آن که بین سوگند و جواب آن رابطه خاصی باشد.

## ۲-۳- ارتباط میان سوگندها با محور و محتوای سوره

سوره هایی که در آنها سوگند وجود دارد، تمامی از سوره های مکی است که بیشتر، اصول بنیادی- اعتقادی را مطرح می کند و با اندیشه های شرک آلود به رویارویی می پردازد. کاربرد سوگند در سوره های مکی، با حال مخاطبان، فضای آن روزگار و موضوعی که سوره به آن می پردازد، تناسب دارد. زیرا از سویی تردید و انکار مخاطبان نسبت به پیامهای قرآنی و اهمّیت موضوعات بیان شده در این سوره ها و کوبندگی لحن قرآن، اقتضای تأکید با سوگند را دارد، و از سوی دیگر، به تصویر کشیدن پدیده های طبیعی، همچون: برآمدن آفتاب و گسترده شدن شب، آسمان پر ستاره و گاه، امور غیبی؛ مانند: فرشتگان و وظایف آنها، آغازی زیبا برای این سوره هاست که به جای زن، شمشیر و شراب که در اشعار آنان بسیار کاربرد داشت.

در این میان، سوره های کوچکی وجود دارد که مجموع آنها بیش از سوگند و پاسخ آن و آیاتی چند در ارتباط با آن سوگند نمی باشد؛ مانند: ضحی، تین و عصر. در این گونه سوره ها، هماهنگی سوگند با محور سوره در همان فضای هماهنگی سوگند و جواب آن، قابل بررسی است.

اما در برخی سوره ها، سوگند آغاز، جزء کوچکی از آن را تشکیل می دهد و یا بجز سوگند، بخش عمده ای باقی می ماند. در اینجا تناسب آغاز سوره که مجموع سوگند و پاسخ باشد، با محتوای سوره، زمینه بیشتری را فراهم می آورد که نمونه هایی از آن یاد می شود:

﴿يَس، وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ، عَلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، تَنْزِيلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ، لِنُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ آبَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ﴾ (یس: ۱-۶)  
 ۶) یس، سوگند به قرآن حکیم، که تو قطعاً از رسولان (خداوند) هستی، بر راهی راست (قرارداری)؛ این قرآنی است که از سوی خداوند عزیز و رحیم نازل شده است؛ تا قومی را بیم دهی که پدرانشان انذار نشدند، از این رو آنان غافلند. (ترجمه مکارم شیرازی)

غرض سوره ی «یس»، بیان اصول سه گانه دین است که از نبوت و توصیف حال مردم در پذیرش و ردّ دعوت آغاز و سپس به توحید، منتقل می شود و پس

از آن، از معاد و برانگیخته شدن مردم برای جزا سخن می گوید. (طباطبائی، ج ۶۲: ۱۷)

اگر به این سوره دقت کنیم، درمی یابیم که در ابتدای این سوره به حکیم بودن قرآن سوگند خورده شده تا مسأله رسول بودن پیامبر از سوی خدا اثبات شود، و اگر به محتوای این سوره توجه کنیم، درمی یابیم که کل موضوع این سوره پیرامون معنای اسلوب سوگندی است که در ابتدای سوره آمده است؛ یعنی محتوای این سوره از رسولان خدا به ما خبر می دهد.

﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ﴾ (ص: ۱) ص، سوگند به قرآنی که دارای ذکر است (که این کتاب، معجزه الهی است). در آغاز این سوره به قرآن که صاحب ذکر است، سوگند یاد می شود. اگر این سوره را مورد بررسی قرار دهیم و ماده ذکر را در این سوره جستجو کنیم، درمی یابیم که بیش از ده مورد دیگر از مشتقات ذکر در این سوره وجود دارد:

۱. ﴿ص وَالْقُرْآنِ ذِی الذِّکْرِ﴾ (ص: ۱)
۲. ﴿أَنْزَلَ عَلَیْهِ الذِّکْرَ مِنْ بَیْنِنَا بَلْ هُمْ فِی شَکٍّ مِّنْ ذِکْرِی بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابٍ﴾ (ص: ۸)
۳. ﴿وَاصْبِرْ عَلَیْ مَا یَقُولُونَ وَادْکُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَیْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص: ۱۷)
۴. ﴿کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَیْکَ مُبَارَکٌ لِّیَذِکَّرُوا آیَاتِهِ وَلِیَذِکَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۲۹)
۵. ﴿فَقَالَ إِنِّیْ أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَیْرِ عَنِ ذِکْرِ رَبِّی حَتَّى تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ﴾ (ص: ۳۲)
۶. ﴿وَادْکُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّیْ مَسَّنِیَ الشَّیْطَانُ بُنْصَبٍ وَعَذَابٍ﴾ (ص: ۴۱)
۷. ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِکْرِی لِّأُولِی الْأَلْبَابِ﴾ (ص: ۴۳)
۸. ﴿وَادْکُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِیمَ وَإِسْحَاقَ وَیَعْقُوبَ أُولِی الْأَیْدِی وَالْأَبْصَارِ﴾ (ص: ۴۵)

۹. ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾ (ص: ۴۶)
۱۰. ﴿وَادِّكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ وَكُلٌّ مِّنَ الْأَخْيَارِ﴾ (ص: ۴۸)
۱۱. ﴿هَذَا ذِكْرٌ وَإِن لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنِ مَّآبٍ﴾ (ص: ۴۹)
۱۲. ﴿إِن هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ﴾ (ص: ۸۷)

### ۳- اهداف و کارکردهای سوگندهای قرآن

معمولاً مردم در زندگی روزمره به چیزهایی سوگند یاد می کنند که در نظرشان بسیار عزیز و یا محترمند، که این سوگندها با هدف اثبات گفته خود و باوراندن به طرف مقابل است؛ درحالیکه سوگندهای قرآن از این نوع نیست؛ زیرا وقتی آنها را با قسمهای معمول میان مردم و یا با قسم شرعی مقایسه می کنیم، اختلافشان زیاد است؛ چون شرعاً قسم بغیر اسم پروردگار بی اعتبار است، و در تمام سوگندهای مردم (شرعی و عرفی) ترس از صدمه و مؤاخذه در صورت دروغگویی هست. در حالیکه هیچ یک از این امور برای سوگندهای قرآن معقول نیست، زیرا نه خداوند از کسی یا چیزی ترس می تواند داشته باشد، و نه سخن خداوند محتاج به قسم هست، زیرا مؤمن نیاز به سوگند (برای باور کردن سخن) ندارد و کافر نیز با سوگند خوردن ایمان نمی آورد، و از سویی دیگر خداوند در سوره «قلم» از زیاد قسم یاد کردن نهی می کند: ﴿وَلَا تُطِعْ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ﴾ (قلم: ۱۰)، از هر کسی که بسیار قسم می خورد، کم خرد و کوتاه اندیش است، پیروی مکن. بنابراین فایده و کارکرد این سوگندهای قرآن کریم چیست؟ در این بخش تلاش بر این است که به این سؤال مطرح شده پاسخ داده شود، و نظر محققان و مفسران بزرگ قرآن کریم را می آوریم تا اندازه ای از علت و فایده کلی سوگندهای قرآن روشن شود. اینک به اهداف و کارکردهای سوگندهای قرآن کریم در چند محور زیر به بررسی می نشینیم.

#### ۳-۱- تأکید

مشهورترین و فراگیرترین فایده سوگند، تأکید و استوار سازی مطلبی است که برای اثبات و انجام آن، سوگند یاد می شود. این غرض به تنهایی یا با غرضهای

دیگر همیشه در سوگند همراه است. قرآن کریم از سوی خداوند سبحان، به زبان عربی فصیح بر قلب پیامبر(ص) برای هدایت بشر نازل شده است، و از اسالیب و شیوه‌های کلامی آن پیروی کرده است؛ زیرا که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (یوسف: ۲)، همانا ما آنرا قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید.

یکی از این شیوه‌های رایج زبان عربی، تأکید سخن در برابر مخاطبی است که منکر ربط بین موضوع و محمول یا (نهاد و گزاره) می‌باشد.

عبدالجلیل عبدالرحیم در کتاب *لغة القرآن الکریم می‌نویسد: «قرآن به زبان عربی نازل شده، و از ویژگی‌های آن به هنگام تأکید کاری، سوگند خوردن است، و کاربرد سوگند را در زبان‌ها و ادبیات‌های دیگر کم می‌بینیم»* (عبدالجلیل: ۲۶۵).

زرکشی در «البرهان فی علوم القرآن»، قسم را در زمرة اسلوب تأکید یاد می‌کند. (الزرکشی ۱۹۷۷م: ج ۳، ۴۰)، و نیز نگارنده «أسلوب التأكيد فی القرآن الکریم»، آن را یکی از مؤکدهای بدون ادات می‌داند (ابوالفتح ۱۹۵۵: ۲۳۹-۲۴۶)

زرکشی و سیوطی به نقل از ابوالقاسم قشیری، در این زمینه دو مطلب ذکر می‌کنند که هر دو در چارچوب غرض تأکید پاسخ می‌گویند:

«۱- قرآن به زبان عربی و بر طبق شیوه‌های گفتاری آنان نازل شده است و عادت عربها بر آنست که هنگامی که بخواهند امری را تأکید کنند، از سوگند استفاده می‌کنند.

۲- خداوند سوگند را برای کامل کردن حجّت و تأکید آن آورده است؛ زیرا هر حکم و داوری، با دو چیز انجام می‌شود: شهادت و قسم و خداوند متعال در کتاب خود هر دو را یاد کرده است، تا برای کسی عذری نماند. برای گواهی فرموده است: «شهد الله إنه لا إله إلا هو والملائكة وأولو العلم» (آل عمران: ۱۸) و از باب سوگند آورده است: «قل إی وربی إنه لحقّ» (یونس: ۵۳) (زرکشی: ج ۳، ۴۱؛ و سیوطی: ج ۲، ۲۷۷).

فخر رازی در این زمینه، پاسخ‌های چندی ارائه می‌دهد که برخی از آن‌ها شبیه دو پاسخ یاد شده است و برخی دیگر خدشه پذیر است و چندان قابل توجیه نیست. (فخر رازی: ج ۹: ۳۱۶).

ابن یعیش می‌گوید: «هدف از سوگند، تأکید بر آن چیزی است که بر آن قسم خورده می‌شود، چه غرض نفی باشد، چه اثبات» (ابن یعیش: ج ۶: ۹۰). احمد بدوی می‌گوید: «قرآن کریم به پیروی از روش عرب، هنگام تأکید خبرهای خود، از سوگند استفاده کرده است تا آنها را در جان مردم جای داده و اندیشه مخالفت را از آن بر کند. گرچه ممکن است، سوگند همیشه نتواند مخاطب را به تصدیق وا دارد، اما بسیار اتفاق می‌افتد که باعث تضعیف جریان مخالفت در ذهن مخاطب می‌گردد و با ایجاد شک، انسان را به تفکر در مطلبی وا می‌دارد که به خاطر آن سوگند یاد شده است» (بدوی: ۱۷۰).

### ۲-۳- تعظیم و بزرگ داشتن مقسم به:

دومین نکته و غرضی که در سوگندهای نهفته است، تعظیم و بزرگ داشتن امری است که به آن سوگند یاد می‌شود. گرچه غرض مستقیم سوگند، به مقسم علیه یا مطلبی که برای آن سوگند یاد می‌شود بر می‌گردد؛ ولی عظمت مقسم به، به طور تبعی و ضمنی در سوگند نهفته است، بویژه آنجا که مقسم علیه ذکر نشده است و به مقسم به اکتفا گردد، تکیه اصلی بر مقسم به است؛ همانند «**ق** **والقرآن المجید**» (ق: ۱). سیوطی می‌نویسد: «سوگند صورت نمی‌گیرد، مگر به اسمی که دارای عظمت باشد» (سیوطی: ج ۲: ۲۷۷).

سید قطب در ذیل سوره یس می‌نویسد: «خداوند سبحان نیازی به سوگند ندارد، اما این سوگند خداوند به قرآن و حروف آن، به مقسم به بزرگی و شکوه می‌بخشد؛ چرا که خداوند سبحان جز به امری که عظمت دار باشد و به مرتبه ای که به آن سوگند یاد شود رسیده باشد، سوگند یاد نمی‌کند» (سید قطب: ج ۷: ۹). زرکشی می‌نویسد: «همانا عرب این اشیاء (که خداوند به آنها سوگند یاد کرده) را بزرگ می‌شمرد و به آنها سوگند می‌خورد و قرآن بر عادت آنها نازل شد» (الزرکشی: ج ۳: ۴۰).

### ۳-۳- اثبات مطلبی که به خاطر آن سوگند یاد شده

از کار کردهای عمده سوگندهای قرآنی، شاهد و گواه قرار دادن اشیایی است که به آنها سوگند یاد می‌شود؛ برای اثبات مطالبی که به خاطر آن، سوگند آمده است. این مسئله بیشتر در سوگند به پدیده‌های طبیعی نمود دارد که نوعاً در آنها از واو قسم استفاده شده است.

سوگندهای قرآنی در واقع مثل تشبیه هستند، و به عبارت دقیق‌تر، مثل تشبیهات برهانی هستند. همانطور که ما در تشبیه برای اثبات امور غیبی و معنوی به امور بدیهی و محسوس چنگ می‌زنیم، در سوگندها نیز قرآن امور مادی و پدیده‌های طبیعی و بدیهی و روشن را زمینه و بستری برای خبرهای خود قرار می‌دهد تا گونه‌ای از تشبیه معقول به محسوس صورت گیرد. استاد معرفت در این رابطه می‌فرماید: «سوگند در حقیقت یک نوع تشبیه است که برای اثبات «مقسم‌علیه» به «مقسم‌به» تمسک جسته می‌شود؛ یعنی همانگونه که مقسم به ثابت و استوار و پذیرفته شده است، مقسم‌علیه نیز ثابت و استوار و مورد قبول همگان می‌باشد.» (محمد هادی معرفت ۱۳۷۹ش: ۲۹۵)

خانم بنت الشاطی معتقد است: «سوگندهای که با واو آمده است، از معنای سوگند برای تعظیم خارج شده است؛ بنابراین نظر وی، به خاطر عظمت و شرافت داشتن این پدیده‌ها به آنها سوگند یاد نشده، بلکه به خاطر استدلال و استشهاد به محسوس و بدیهی بودن آنها برای اثبات امور نامحسوس است» (بنت الشاطی: ۱۶۶)

و هنگامی که در سوگندهایی که در کلام الهی است، دقت کنی و در آن بیندیشی، درخواهی یافت که «مقسم‌به» در آنها برهانی بر درست بودن جواب قسم است؛ مانند گفتار خداوند متعال درباره رزق که می‌فرماید: ﴿قَوْرَبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لِحَقٌّ...﴾ (ذاریات: ۲۳) چرا که ربوبیت آسمان و زمین، سرمنشأ روزی دادن به بندگان است و در سوگندی که به جان پیامبر خورده شده: ﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (حجر: ۷۲) خود زندگی پیامبر (ص) که پاک بوده و عصمت الهی، نگاهبان آن است، نشانگر مستی، بی‌خردی و کدر دلی مشرکان است.

از جمله کسانی که این نظر را مطرح و از آن به خوبی دفاع کرده‌اند، عبدالحمید فراهی است. وی معتقد است، زمانی که به آفریده‌ها سوگند یاد می‌شود، سبب عظمت آنها نیست؛ بلکه غرض، استشهاد به آنها برای اثبات راستی و درستی سخن است. فراهی پس از یادکرد شواهدی از اشعار عرب و برخی سخن‌دانان یونان، به سراغ قَسَم‌های قرآن می‌آید و بیان می‌کند که سوگندها در صورتی برای تعظیم است که به خداوند متعال یا شعائر او سوگند یاد شود و دیگر سوگندها، فقط برای استدلال است (ر.ک: إمعان فی أقسام القرآن).

با توجه به آنچه درباره اهداف و کارکردهای سوگندهای قرآنی گفته شد، می‌توان اینگونه نتیجه گرفت که تأکید و تعظیم، کارکردی فرعی برای سوگند است، تأکید در هر اسلوب سوگندی وجود دارد، ولی تعظیم مقسم به در همه سوگندهای قرآن وجود ندارد و محققانی که اصرار دارند بر تعظیم مقسم به در همه سوگندهای قرآن، سخت در اشتباهند. و از دیگر اهداف بارز سوگندهای قرآن، آن است که آنچه به آن سوگند یاد می‌شود، همانند مقدمه و استدلال برای اثبات مطلبی است که در پی آن می‌آید و همچون شاهد و گواهی بر درستی آن است. اما اهداف و فایده‌های سوگندهای قرآنی در این حد باقی نمی‌ماند و اهداف ضمنی و تبعی دیگری نیز می‌تواند داشته باشد. با توجه به گونه گونی و تنوع سوگندهای موجود در قرآن کریم، ممکن است همه اهداف و کارکردها، نمود یکسانی نداشته باشد.

#### ۴- نتیجه گیری

اولاً: با بررسی بلاغت سوگندهای قرآن کریم، یکی دیگر از زوایای معجزه و فوق بشری بودن قرآن کریم نمود پیدا می‌کند.

ثانیاً: موضوع تناسب و هماهنگی بین سوگندهای قرآن کریم، نیازمند پژوهشی مستقل است تا ظرافت‌ها و زیبایی‌های آن مشخص شود.

ثالثاً: وقتی خداوند به چند چیز پشت سرهم سوگند یاد می‌کند (مثل سوره تین)، بین تمام آنها (مقسّم‌به‌ها) ارتباط و هماهنگی وجود دارد، و همچنین این ارتباط و تناسب بین مقسم‌به و مقسم‌علیه (یا جواب قسم، که هدف اصلی جمله



سوگند، همین است) برقرار است، و از سویی دیگر، بین سوگند آغاز سوره و محور و محتوای سوره هماهنگی وجود دارد.

رابعاً: اهداف و کارکرد سوگندهای قرآن با سوگندهای بشری متفاوت است. سوگندهای قرآن علاوه بر تأکید، هم استدلال و برهانی است بر مطلبی که به خاطر آن سوگند یاد می‌شود و هم می‌خواهد ما را به عظمت و اسرار نهفته در مقسم به رهنمون سازد.

### کتابنامه

#### ۱- القرآن الکریم

- ۲- ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد بن أبی بکر. ۱۹۳۳ م، التبیان فی أقسام القرآن. الطبعة الثانية، تصحیح: محمد حامد الفقی. القاهرة: مطبعة الحجازی.
- ۳- ابن قیم الجوزیه. فوائد المشوق إلى علوم القرآن وعلم البيان، دار الکتب العلمیة، بیروت (د-ت)،
- ۴- ابن یعیش، موفق الدین علی بن یعیش. شرح المفصل. القاهرة: مكتبة المثنی، د.ت.
- ۵- ابوالفتوح، محمد حسین. ۱۹۹۵ اسلوب التوکید فی قرآن الکریم، چاپ اول، مكتبة لبنان.
- ۶- أحمد بدوی، أحمد. ۱۹۵۰ م، من بلاغة القرآن، القاهرة: مطبعة نهضة.
- ۷- الباقلائی، أبوبکر محمد بن الطیب، ۱۹۸۱. إعجاز القرآن. تحقیق أحمد صقر، القاهرة: دار المعارف، الطبعة الخامسة.
- ۸- بنت الشاطی، عائشة عبدالرحمن، ۱۳۹۱ هـ- ۱۹۷۱ م. الإعجاز البياني للقرآن ومسائل ابن الأزرقي. القاهرة: دار المعارف.
- ۹- بنت الشاطی، عائشة عبدالرحمن. التفسیر البياني للقرآن الکریم. الطبعة السادسة، القاهرة: دار المعارف، د.ت.

- ١٠- الخفاجي، الأمير أبي محمد بن عبدالله بن سنان. ١٩٨٢، **سرّ الفصاحه**، دار الكتب العلمية، بيروت.
- ١١- الرازي، فخرالدين. **مفاتيح الغيب** ١٤٢١هـ - ٢٠٠٠ م (تفسير الكبير). الطبعة الأولى، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ١٢- الزركشي، بدرالدين محمد بن عبدالله، ١٩٧٧م. **البرهان في علوم القرآن**. تحقيق: محمد أبو الفضل إبراهيم. الطبعة الثالثة، بيروت: دارالمعرفة للطباعة والنشر.
- ١٣- السامرائي، فاضل، ١٩٨٩م. **التعبير القرآني**. مطابع جامعة الموصل.
- ١٤- السجلمانى، أبو محمد، ١٩٨٠. **المنزوع البديع في أساليب البديع**، تحقيق: علال الغازي، ط: ١٠، مكتبة دارالمعارف، الرباط.
- ١٥- السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبابكر، ١٩٥٢م. **إعجاز القرآن بهامش (الإتقان في علوم القرآن)**. الطبعة الثالثة، القاهرة: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- ١٦- السيوطي، جلال الدين عبدالرحمن بن أبابكر. **الإتقان في علوم القرآن**. تحقيق محمد أبو الفضل إبراهيم، القاهرة: مكتبة دار التراث، د.ت.
- ١٧- الطباطبائي، سيد محمد حسين، ١٣٩٧هـ ق. **الميزان في تفسير القرآن**. طهران: دارالكتب الإسلامية.
- ١٨- عبدالرحيم، عبدالجليل، ١٩٨١ م. **لغة القرآن الكريم**، مكتبة الرسالة الحديثة، عمان: ط ١.
- ١٩- الفراهي، عبدالحميد، ١٣٤٩هـ **إمعان في أقسام القرآن**. القاهرة: المطبعة السلفية ومكتبها.
- ٢٠- قطب، سيد. ١٣٨٦هـ ق - ١٩٦٧م، **في ظلال القرآن**. بيروت: دارالإحياء التراث العربي.
- ٢١- معرفت، محمد هادي، ١٣٧٩. **علوم قرآني**، انتشارات سمت، تهران: چ ١.